

جایگاه درس انشا و مشکلات آن در نشستی بررسی شد

آیا جایگاه از دست رفته انشا باز می‌گردد؟

سمانه آزاد

عکاس: اعظم لاریجانی

برنامه درسی فارسی؛ آسیب‌شناسی، پیشنهادها و راهکارها» با حضور دکتر فریدون اکبری شلدره، مدیر گروه زبان و ادب فارسی و جمعی از کارشناسان و معلمان انشا و سرگروه‌های آموزشی مناطق تهران برگزار شد.

در ابتدای نشست، دکتر اکبری به اهمیت درس انشا در برنامه درسی اشاره کرد. وی از درس انشا به‌عنوان سامان‌دهنده ذهن و زبان، یاد کرد و گفت: «نگارش و انشا سامان‌دهنده ذهن و زبان و سبک نگرش به دنیای بیرون است. به طوری که از نوشته و انشای هر فردی می‌توان به جهان‌نگری، شیوه اندیشه و نظم در پیکره فکری او پی برد. در برنامه‌ریزی درسی زبان و ادب فارسی، درس انشا هم جایگاه قدسی دارد و هم جایگاهی برای سامان‌دهی ذهن و زبان است. گستره دنیای ذهنی هر زبان‌آموز و دامنه واژگانی او در واقع نمودی از فلسفه فکری و دنیای اوست. بنابراین، اگر بتوانیم دانش‌آموزانمان را در نوشتن به جایگاهی که شایسته است برسانیم، در واقع فرزندانمان با ذهنی بسامان برای آینده کشور تربیت کرده‌ایم.»

نوشتن و دست به قلم شدن برای نوجوانان و سوسه‌انگیز است؛ نوجوانانی که شاید به تازگی وارد عالم کتابخوانی و نویسندگی شده‌اند و حالا می‌خواهند قلم خود را محک بزنند. بهترین فرصت برای این کار، مدرسه و زنگ انشاست. دانش‌آموزان در این درس، علاوه بر آشنایی با اصول درست‌نویسی و سبک‌های پرورش متن، جرئت ابراز وجود و اعتمادبه‌نفس پیدا می‌کنند. کم‌اهمیت شمردن این درس، باعث بی‌انگیزی دانش‌آموزان می‌شود و آن‌ها را از دست به قلم بردن دلسرد می‌کند.

سؤال اینجاست که چگونه می‌توان دانش‌آموزان را به نوشتن تشویق کرد؟ با چه طرح و برنامه‌ای می‌توان اصول درست نوشتن را به آن‌ها آموخت و مهم‌تر از همه، چگونه می‌توان نوشته‌های آن‌ها را ارزیابی کرد؟ شاید برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها ابتدا باید به این پرسش جواب داد که اکنون جایگاه نگارش و انشا در برنامه درسی فارسی کجاست و در معرض چه آسیب‌هایی قرار دارد؟ به‌همین منظور نشست «بررسی جایگاه نگارش و انشا در

دکتر نعمت‌زاده:
چرا ما بار
معلمان ادبیات
و گروه زبان و
ادبیات فارسی را
سنگین می‌کنیم
و همه گناه را
به گردن آن‌ها
می‌اندازیم؟
نوشتن باید در
همه درس‌ها
حتی ریاضی
پیش‌بینی شود

رویکرد مهارت‌آموزی در برنامه درسی

ما معتقدیم که نگارش و انشا را می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق به زبان‌آموزان آموزش داد. البته این کار فقط با تدوین محتوا و برنامه تمام نمی‌شود. قطعاً این بخش، زمانی به شکوفایی می‌رسد که آموزش معلم نیز با همین رویکرد انجام شود. اگر معلم ما با بنیادهای برنامه‌ریزی درسی و فلسفه نوزایی یک کتاب و چگونگی شکل‌گیری آن و رویکرد تعلیم و تربیت محتوا آشنا باشند، قطعاً رگه‌های نگارش خود را در کلاس نشان خواهند داد».

سایه سنگین زبان‌شناسی بر انشا

ارائه درس نگارش و انشا به صورت تلفیقی در دوره اول متوسطه نکته دیگری بود که اکبری به آن اشاره کرد و گفت: «ما

برنامه نگارش و انشا را در دوره اول متوسطه به شیوه تلفیقی ارائه می‌دهیم؛ یعنی آمیزه‌ای از مهارت‌های زبانی در کنار هم. کسانی که از بیرون به برنامه نگاه می‌کنند؛ می‌گویند نگارش و انشا را حذف کرده‌اید، در صورتی که نگارش ما تلفیقی است. ما کتاب دوره اول متوسطه را با این نگارش تألیف کرده‌ایم، یعنی مهارت‌های نوشتاری در کنار مهارت‌های خوانداری و به صورت تلفیقی ارائه می‌شوند».

مدیر گروه زبان و ادب فارسی از تولید کتاب مستقل نگارش و انشا در آینده خبر داد و گفت: «برنامه‌ریزی این گونه خواهد بود که به‌سوی ایجاد کتاب مستقل انشا و نگارش حرکت کنیم. در دوره دوم متوسطه باز همین نگاه گسترش می‌یابد و در کنار ادبیات فارسی، کتاب مستقل نگارش و انشا را با همین عنوان خواهیم داشت».

دکتر اکبری: از نوشته و انشای هر فردی می‌توان به جهان‌نگری، شیوه اندیشه و نظم در پیکره فکری او پی برد

نوشتن، آخرین و سخت‌ترین مرحله زبان‌آموزی

دکتر شهین نعمت‌زاده، زبان‌شناس و استاد دانشگاه، از دیگر حاضران این جلسه بود. وی درباره مهارت نوشتن گفت: «ما چهار مهارت داریم که یکی از آن‌ها نوشتن است. در مراحل زبان‌آموزی، نوشتن آخرین مهارتی است که ظاهر می‌شود. کودک گوش می‌کند، حرف می‌زند، می‌خواند و در نهایت می‌نویسد. البته مشکل‌ترین مهارت هم مهارت نوشتاری است. برای اینکه تفاوت این مهارت با دیگر مهارت‌ها بهتر روشن شود، مثالی می‌زنم. اگر کودکی را در محیط زبانی قرار دهید، زبان را یاد می‌گیرد و نیازی به آموزش هم ندارد. اما اگر او را در محیطی قرار دهیم که همه می‌نویسند، نمی‌تواند نوشتن را یاد بگیرد. نوشتن مهارتی است متفاوت با مهارت گوش دادن، سخن گفتن و حتی خواندن. البته از یک زاویه به مهارت خواندن نزدیک است و آن اینکه هر دو مهارت‌های کتبی هستند، یعنی با خط سروکار دارند، اما مهارت خواندن، گوش و چشم را فعال می‌کند و مهارت نوشتن بیشتر مهارتی بصری است. همچنین، مهارت نوشتن، مهارتی تولیدی و در عین حال اکتسابی است».

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه در حیطه آموزش انشا، نباید آن را امری ارثی قلمداد کرد گفت: «نوشتن یک مهارت است، اما برخی معتقدند امری ارثی است. ما در آموزش انشا نباید چنین رویکردی داشته باشیم. البته ممکن است این‌گونه باشد، اما ما به‌عنوان کسانی که در آموزش و پرورش کار می‌کنیم، این جنبه مدنظرمان نیست، چرا که می‌خواهیم انشا را به همه دانش‌آموزان، چه آن‌ها که استعداد دارند و چه آن‌ها که ندارند، آموزش دهیم. هر کسی باید نوشتن را یاد بگیرد و این از ضروریات است. اگر به انشا و نویسندگی به چشم استعداد نگاه کنیم، دانش‌آموز گمان می‌کند چون والدینش نمی‌توانند خوب بنویسند، پس او هم نمی‌تواند. پس وقتی وارد حیطه آموزش می‌شویم، باید این نگارش را کنار بگذاریم».

جای خالی آموزش ضمن خدمت

آموزش‌های ضمن خدمت در ارتقا و به‌روزرسانی دانش معلمان نقش مهمی دارد. اما به گفته سیدرحمت‌الله مشهدی، کارشناس معاونت آموزش متوسطه، یکی از آسیب‌های آموزش انشا به مشکلات آموزش‌های ضمن خدمت مربوط است. او در این باره گفت: «آموزش‌های ضمن خدمت در ارتقای دانش معلمان از جایگاه مهمی برخوردار است، اما متأسفانه بنا به دلایلی، در این حوزه با مشکلاتی روبه‌رو هستیم و در حین خدمت، آموزش‌های لازم داده نمی‌شود. به‌خصوص وقتی دوستان برنامه و نگاه جدیدی را تولید می‌کنند، آموزش معلمان لازم است».

به نظر می‌رسد باید به فرایند آموزش معلمان، به‌خصوص آموزش معلمان دوره ابتدایی، توجه داشته باشیم. در دوره اول متوسطه تقریباً همه معلمان در رشته‌هایشان متخصص هستند، اما لازم است اطلاعاتشان به‌روز شود. این امر در دوره ابتدایی به‌عنوان ریشه و پایه کار مهم‌تر است و باید فکر اساسی در این باره داشته باشیم. باید زمینه‌هایی را فراهم کنیم که همکاران گروه آموزشی فعال‌تر شوند و نشست‌ها و تعامل‌های بیشتری با هم داشته باشند و بتوانند از یکدیگر به‌عنوان سازمان‌یادگیرنده، اطلاعات جدید کسب کنند و به کار ببرند. البته در حال حاضر برنامه‌ای در پایگاه کیفیت‌بخشی به فرایند آموزش درس‌های دوره اول متوسطه تدوین شده است. در بخش ادبیات فارسی هم برنامه‌ای تدوین شده و دوستان در حال فعالیت هستند. معلمان می‌توانند با همکاران در این بخش ارتباط داشته باشند».





آموزش انشا فراتر از زنگ انشا

خانم نعمت‌زاده آموزش مهارت نوشتن را تنها مختص زنگ انشا ندانست و چنین ادامه داد: «در برنامه درسی کشورهای دیگر آموزش انشا خاص یک درس به‌خصوص نیست، برخی گمان می‌کنند انشای بچه‌ها خوب نیست، چون معلمان انشای خوبی ندارند. در حالی که در برنامه درسی کشورهای پیشرفته مانند فرانسه، نوشتن جزو برنامه همه دروس هاست. یعنی در درسی مانند علوم یا تاریخ هم دانش‌آموزان باید نتیجه آزمایش و مشاهده خود را بنویسد. چرا ما بار معلمان ادبیات و گروه زبان و ادبیات فارسی را سنگین می‌کنیم و همه گناه را به گردن آن‌ها می‌اندازیم؟ نوشتن باید در همه دروس، حتی ریاضی، پیش‌بینی شود. معلم ریاضی باید از بچه‌ها بخواهد خودشان هم مسئله بنویسند تا بدانند ساختار زبان علمی چطور به‌دست می‌آید.

مسئله بعدی که باید به آن توجه داشت این است که آموزش انشا امری کلی نیست. آموزش آن باید تخصصی شود و مرحله به مرحله و درجه‌بندی شده باشد. مثلاً باید ابتدا دانش‌آموز هر آنچه را که می‌بیند بنویسد، سپس در سال‌های بعد درباره مسائل ذهنی یا آینده‌نگری بنویسد». آموزش معلمان نکته دیگری بود که دکتر نعمت‌زاده به آن اشاره کرد: «جنبه مهم دیگر که در برنامه‌های درسی دیگر کشورها هم وجود دارد، آموزش معلمان انشاست. کسی که آموزش می‌دهد، خودش هم باید بتواند بنویسد. اگر سفرنامه نوشتن، هنر است، خود معلم هم باید یک سفرنامه و خاطره بنویسد، بعد آن نوشته نقد شود تا بتواند نوشتن را آموزش دهد».

عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی، آموزش انشا را با آموزش تفکر برابر دانست و گفت: «آموزش انشا آموزش تفکر است. وقتی می‌گوییم ابتدا باید موضوع را در ذهن پروراند و بعد نوشت، نکته درستی است. ولی دانش‌آموز چگونه باید موضوع را پروراند؟ برای پروراندن موضوع در ذهن باید الگوریتم آن و مراحلش را به‌صورت نمودار بکشیم و این نیازمند آموزش حل مسئله است».

زنگ انشای بدون انشا

در نشست بررسی جایگاه نگارش و انشا در برنامه درسی فارسی چند تن از کارشناسان حوزه ستادی و سرگروه‌های آموزشی مناطق و نیز معلمان حضور داشتند. **بهمن قره‌داغی**، کارشناس معاونت آموزش ابتدایی وزارتخانه، یکی از حضار بود که از تجربه مشاهده زنگ‌های انشا در کردستان عراق و تهران سخن گفت: «زبان یکی از توانایی‌های بشر و بی‌تردید راز آلودترین توانایی اوست. نوشتن عمق بیشتری از این راز آلودگی را با خود دارد. من برای سنجش و اندازه‌گیری آموخته‌های دانش‌آموزان از این مهارت، کاری را دنبال می‌کردم. پنج مدرسه در منطقه اربیل و پنج مدرسه در تهران را انتخاب کردم تا ببینم شیوه ارزشیابی از درس انشا چگونه است. به این منظور برنامه‌های مدارس را گرفتم و در ساعت‌های کلاس انشا وارد کلاس‌هایشان شدم. هیچ‌کدام از پنج مدرسه تهرانی، در زنگ انشا، انشا نداشتند، بلکه به درس‌های علوم، ریاضی و درس‌هایی از این قبیل مشغول بودند. در اربیل اما متفاوت بود. در یکی از مدارس بچه‌ها در کلاس انشا پانتمیم اجرا می‌کردند. وقتی دلیلش را پرسیدم، معلم توضیح داد بچه‌ها باید بنویسند در کلاس در حال انجام چه کاری هستند. سپس نوشته‌های خود را با آنچه در کلاس اتفاق افتاده بود، تطبیق می‌دادند.

در مدرسه دیگری بچه‌ها انشا نوشته بودند و می‌خواندند. در مدرسه‌ای دیگر معلم کتابی را خوانده بود و از بچه‌ها خواسته بود خلاصه آن را در کلاس بنویسند. در مدرسه دیگر، بچه‌ها مجبور بودند با هم گفت‌وگو نکنند و باید هر آنچه را که می‌خواستند بگویند می‌نوشتند. این برای تقویت مهارت نوشتن آن‌ها بود. یعنی از این ظرفیت به سبک‌های گوناگون استفاده می‌شد.

اولین نکته در دوره ابتدایی بازنندیشی در این حوزه و ایجاد جایگاه دوباره‌ای برای انشاست. اگر می‌گوییم انشا هنر است، طبیعتاً هنر ابتدا باید آموزش داده شود. تصورم این است که در دوره ابتدایی به جای اینکه انشا را زیر سایه خواندن ببینیم، بر موضوع تفکر تمرکز کنیم. اگر مهارت تفکر در فردی پرورش یابد، می‌تواند نگارنده خوبی هم باشد. نکته مهم دیگری هم که باید در نظر داشت ارزشیابی درس انشاست که به معیارهای روا و علمی نیاز دارد. تا وقتی که معلم معیاری نداشته باشد و نداند باید چه چیزی را بسنجد، آسیب داریم». این کارشناس، مهارت علمی معلمان را یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آموزش انشا توصیف کرد و گفت: «جایگاه‌بخشی به انشا با گفتن و برگزار کردن نشست درست نمی‌شود. باید در مهارت‌های معلمی به آن توجه شود. باید در مراکز تربیت معلم و محتواهای برنامه درسی و دانشگاهی به این موضوع توجه شود. به عبارت دیگر، تا انشا تدریس نشود، این خوش‌خیالانه نگرستن است که بخواهیم محصول خوبی درو کنیم. باید از دوره ابتدایی برنامه‌های آگاهانه و عالمانه قابل فهم و متناسب با ساختارهای شناختی کودک ایجاد کنیم».

قره‌داغی: اگر

می‌گوییم انشا هنر است، طبیعتاً هنر ابتدا باید آموزش داده شود



مشهدی: باید

زمینه‌هایی را فراهم کنیم که همکاران گروه آموزشی فعال‌تر شوند و نشست‌ها و تعامل‌های بیشتری با هم داشته باشند و بتوانند از یکدیگر به‌عنوان سازمان‌یادگیرنده، اطلاعات جدید کسب کنند و به کار ببرند

دکتر خلیلی: نوشتن می تواند به کاهش افسردگی و اضطراب و حتی وسواس کمک کند

نوشتن، کمک به کاهش اضطراب و افسردگی

دکتر سپیده خلیلی، روان‌شناس بالینی، از دیگر حاضران در این جلسه بود که درباره تأثیر نوشتن بر کاهش افسردگی و اضطراب سخن گفت: «به نظر من، برای اینکه دانش‌آموزان ما جرئت انشانویسی پیدا کنند، باید ابتدا فضای مناسبی برایشان ایجاد کنیم. یکی از راهکارها این است که فضای بدهانه‌نویسی برای بچه‌ها باز شود. مثلاً می‌توان از بچه‌ها خواست در ۲۰ دقیقه درباره موضوعی مانند فداکاری هر چه را به ذهنشان می‌رسد بنویسند. مطمئناً نوشته آن‌ها انشای چندان پخته‌ای از آب در نمی‌آید، ولی هم به آن‌ها جرئت نوشتن می‌دهد و هم تفکر و خلاقیتشان را پرورش می‌دهد. با توجه به تجربه‌ام در این حوزه می‌توانم بگویم نوشتن می‌تواند به کاهش افسردگی و اضطراب و حتی وسواس کمک کند.»

وی در ادامه گفت: «از سوی دیگر، موضوعی که در کتاب‌های درسی به آن پرداخته نشده است، موضوع شناخت احساسات است. مثلاً وقتی با دختر ده ساله‌ای صحبت می‌کنیم و نظرش را درباره دوستش می‌پرسیم، می‌گوید نمی‌دانم چرا وقتی دوستم را می‌بینم عصبانی می‌شوم! در حالی که احساس او احساس خشم نیست، بلکه حسادت است، اما او هنوز با این احساس آشنا نشده است. در اروپا و آمریکا در مهدهای کودک، کودکان را با احساساتشان آشنا می‌کنند. به نظر من جای طرح کردن احساسات در کتاب‌های درسی خالی باشد! این موضوع به انشانویسی هم کمک می‌کند.»



انگیزه معلم، پیشرفت در انشا

اعظم خیرخواه، دبیر منطقه ۱۲ تهران است. او معتقد است تجربیات هر یک از معلمان باید به دیگران منتقل شود تا انگیزه‌ای برای کار بهتر باشد.

خیرخواه انگیزه معلم انشا را در موفقیت دانش‌آموزان تأثیرگذار دانست و گفت: «به نظر من، ضعف انشا به معلم برمی‌گردد. معلم باید انگیزه داشته باشد و تلاش کند و دنبال ایده‌ها باشد. ما باید خودمان و بچه‌ها را به سمت بهتر شدن سوق دهیم. من دانش‌آموزی داشتم که در املا مشکل داشت و تلاش نمی‌کرد، اما اقدام پژوهی‌ها در این زمینه به من کمک کرد. با خانواده‌اش صحبت کردم و در نهایت به این نتیجه رسیدم که او در نوشتن تنبل است، اما با رایانه و تایپ مطلب راحت‌تر کنار می‌آید. لذا او را به این کار تشویق کردم و نتیجه‌بخش هم بود.»

معلم باید به یاد داشته باشد که ذوق بچه‌ها را سرکوب نکند. حتی ضعیف‌ترین انشاها را باید تشویق کرد تا بچه‌ها اعتمادبه‌نفس پیدا کنند. بچه‌ها معمولاً انشای خود را قبول ندارند. ما باید گام به گام دستشان را بگیریم و بالا ببریم.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت ارزشیابی درس انشاست. اگر ارزشیابی انشا توصیفی باشد، کمی از مشکلات حل می‌شود. بسیاری از دانش‌آموزان در درس‌هایی مانند ریاضی و علوم موفق‌اند، اما در نوشتن نه. و انتظار دارند که در انشا هم نمره خوبی بگیرند. اگر ارزشیابی این درس به صورت توصیفی باشد، این مشکل هم حل خواهد شد.»



معلم، مطالعه، انشا

در ادامه نشست «بررسی جایگاه نگارش و انشا در برنامه درسی فارسی؛ آسیب‌شناسی، پیشنهادهای و راهکارها»، معلمان حاضر در جلسه، تجربه‌ها و مشکلاتی را که در تدریس انشا داشتند، با هم در میان گذاشتند. **فرشته پایکاری**، دبیر منطقه ۱۵ تهران، از تجربه خود درباره تشویق دانش‌آموزان به مطالعه و تأثیر آن در انشا سخن گفت: «وقتی معلم خودش اهل مطالعه باشد می‌تواند آن را به دانش‌آموزان منتقل کند. من هم تشویق دانش‌آموزان به مطالعه را با مطالعه مجلاتی درباره بهداشت روان یا موفقیت آغاز کردم. به این ترتیب که هر چهار جلسه یک بار، بچه‌ها مجله‌هایی را درباره این موضوعات به کلاس می‌آوردند و به مرور زمان به مطالعه علاقه‌مند می‌شدند. پس از مجلات هم به سراغ مطالعه کتاب‌ها می‌رفتیم.»

خیرخواه: معلم باید به یاد داشته باشد که ذوق بچه‌ها را سرکوب نکند. حتی ضعیف‌ترین انشاها را باید تشویق کرد تا بچه‌ها اعتمادبه‌نفس پیدا کنند



وقت نداریم!

کمیبود وقت و زمان یکی از مشکلاتی است که همواره دربارهٔ درس انشا به آن اشاره می‌شود. اکنون هم که یک ساعت از برنامهٔ درسی فارسی پایهٔ هفتم کم شده و زمان درس به چهار ساعت رسیده، این مشکل بیشتر مورد توجه و اعتراض معلمان است. **کبری حیدری**، سرگروه ادبیات منطقهٔ ۸ تهران، در این باره گفت: «به نظرم نکته‌ای که در این بحث به آن توجه نشد، در نظر گرفتن ظرف زمان است. امسال یک ساعت از برنامهٔ درسی فارسی پایهٔ هفتم کم شد. آیا با این ظرف زمان می‌توان به اهدافی که دربارهٔ آن صحبت می‌کنیم رسید؟ علاوه بر این، غیرمرتبط بودن معلمان به‌ویژه در مدارس پسرانه هم مطرح است. به نظر می‌رسد اگر بخواهیم آسیب‌شناسی کنیم باید از این موارد شروع کنیم.»

فریبا احمدی معلم منطقهٔ ۱۷ تهران است. او نیز از کمیبود وقت و حجم زیاد کتاب به‌عنوان یکی از مشکلات یاد کرد و گفت: «یکی از مشکلات کمیبود وقت است. در برابر کاهش ساعت درسی انتظار می‌رفت حجم کتاب هم کم شود. با این حال سعی می‌کنیم به همهٔ جنبه‌های درس فارسی از جمله انشا برسیم. ما در مدرسه انشاهای خوب را انتخاب و به‌صورت یک کتاب تدوین کردیم و آن را در کتابخانهٔ مدرسه و کلاسی قرار دادیم تا بقیهٔ بچه‌ها بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. این کار بچه‌ها را تشویق می‌کند. البته اگر مجله‌ای باشد که دانش‌آموزان بتوانند انشاهای خود را در آن منتشر کنند، علاوه بر اینکه می‌تواند مورد استفادهٔ بقیه قرار گیرد، تشویق آن‌ها را هم به‌دنبال خواهد داشت.»



کتاب کافی نیست!

سیدحسین محمدی حسینی نژاد، مدیرمسئول ماهنامهٔ انشا و نویسندگی نیز در این نشست حضور داشت. او رسیدن درس انشا به جایگاه اصلی را یک دغدغه عنوان کرد و گفت: «ما به همین منظور، انجمن معلمان انشا را برپا کردیم که البته نیامده رفت! سپس کانون معلمان انشا را ایجاد کردیم که تلاش می‌کند از مجاری غیررسمی به آموزش و پرورش کمک کند. علاوه بر این، مجله‌ای به نام انشا و نویسندگی را نیز راه‌اندازی کرده‌ام. دغدغهٔ این مجله انشا و نویسندگی است؛ انشا پایه و مقدمهٔ نویسندگی است. باید به یاد داشته باشیم که ما دانش‌آموزان با استعداد زیاد داریم. همهٔ دغدغهٔ ما در مجلهٔ انشا و نویسندگی این بود که این دانش‌آموزان را شناسایی کنیم. به همین دلیل هم جشنواره‌هایی را برگزار کردیم. در آخر این جشنواره‌ها، کتاب از انشاهای برگزیده با عنوان «ردپا» برای مدارس تولید شد تا در اختیار دیگر دانش‌آموزان قرار گیرد.»

حسینی نژاد در انتها بر تغییر نگرش معلمان تأکید کرد و گفت: «تنها کتاب کافی نیست. تا وقتی در معلمان و اولیا تغییر نگرش ایجاد نشود، اگر بهترین کتاب را هم تألیف کنیم، باز اتفاقی نمی‌افتد. باید طوری کار کنیم که این موضوع تنها به‌عدهٔ معلم ادبیات نباشد، بلکه همهٔ معلمان از ادبیات تا علوم در این زمینه کار کنند.»

کاهش ساعت زبان و ادب فارسی، چرا؟

در انتهای جلسه **کوروش امیری نیا**، معاون دفتر تألیف کتاب‌های درسی، در سخنانی به علت کاهش ساعت درس زبان و ادبیات فارسی در پایهٔ هفتم اشاره کرد. او گفت: «در مصوبهٔ جدید شورای عالی آموزش و پرورش و در جدول عنوان‌های دروس، انشا به‌عنوان یک درس مشخص شده است که این خود یک گام به جلوست. اما در خصوص زمان اختصاص داده شده به درس زبان و ادب فارسی باید توضیحاتی ارائه داده شود. در پایهٔ هفتم ۱۲ عنوان درس داریم که باید برای آن‌ها در ۳۰ ساعت و در ۵ روز برنامه‌ریزی می‌کردیم. با این اوصاف، جز تقسیم‌بندی کنونی چارهٔ دیگری نداشتیم، مگر اینکه پنجشنبه‌ها به روزهای درسی اضافه می‌شد. در این صورت، گزینه‌های ما برای افزایش ساعت درس‌های ادبیات و علوم و زبان‌انگلیسی است. قرار است برای برنامهٔ درسی سال آینده، دربارهٔ تعطیلی روز پنجشنبه تجدیدنظر شود که ممکن است در نتیجهٔ آن ساعات درسی افزایش یابد. تمام تلاش دفتر تألیف کتاب‌های درسی بر تخصیص ۶ ساعت برای این درس بوده است، اما نوع تصمیماتی که جای دیگری گرفته می‌شود، ما را در شرایطی قرار داد که به ۴ ساعت تن دهیم.»

حیدری: امسال یک ساعت از برنامهٔ درسی فارسی پایهٔ هفتم کم شد. آیا با این ظرف زمان می‌توان به اهدافی که دربارهٔ آن صحبت می‌کنیم رسید.